

# نقش ضابطین دادگستری در حفظ حقوق شهروندی

قاسم مرادی<sup>۱</sup>

چکیده:

با امکان نظر به نقش ضابطین دادگستری به عنوان ارگان اجرای دستگاه قضاء، استفاده از ضابطان قضایی کارآزموده در مراحل مختلف دادرسی کیفری و رعایت حقوق اساسی متهم در راستای تأمین اصل ۳۲ قانون اساسی، انتخاب و بررسی موضوعی مرتبط با ضابطان دادگستری در فرآیند دادرسی جرایمی گامی شایسته در جهت اجرای هر چه توانمندتر قوانین خواهد بود. اولین کسانی که با پدیده مجرمانه روبه‌رو می‌شوند ضابطان دادگستری بوده و اولین مرحله‌ای هم که ممکن است حقوق افراد تضییع شده و مورد تعدی واقع شود، مرحله کشف جرم و تعقیب آن است. بنابراین، در عین حال که ضابطان دادگستری نقش بسیار مهمی در کشف جرم و انجام تحقیقات مقدماتی دارند، خطر تضییع حقوق متهم نیز وجود دارد. حفظ حقوق شهروندی ارتباط تنگاتنگی با اقدامات و تصمیمات ضابطین دارد. پلیس به عنوان شاخص‌ترین مصداق ضابط و خط مقدم ارتباط با مردم، وظیفه تأمین نظم و اهمیت شهروندان را به عنوان یکی از مهم‌ترین مصداق «حقوق عمومی» بر عهده دارد. لذا در این مقاله سعی شده است که ضمن شناساندن جایگاه ضابطین دادگستری تأثیری که عملکرد صحیح و منطبق با موازین قانونی ایشان می‌تواند در حفظ حقوق و آزادی‌های شهروندی و پیش‌گیری از ارتکاب جرم داشته باشد نشان داده شود.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، ضابط دادگستری، حقوق متهم.

---

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

## مقدمه

ضابطین دادگستری به عنوان بخشی از دستگاه عدالت کیفری نقش بسیار تعیین کننده‌ای در جریان تشکیل پرونده‌های کیفری و انجام تحقیقات مقدماتی بر عهده دارند. با وجود این اهمیت در نظام حقوقی ما، ضابطین دادگستری بنا به علل و دلایل مختلف که مهم‌ترین آن نارسایی مقررات حاکم است، نمی‌توانند وظایف خود یعنی وظایفی را که در جریان کشف جرایم و تعقیب متهمین و به‌طور کلی انجام تحقیقات مقدماتی تحت نظارت دادستان بر عهده دارند، به خوبی ایفا کنند.<sup>۱</sup>

دستیابی به هدف اصلی حقوق کیفری که مبارزه علیه بزه‌کاری و حفظ نظم و امنیت جامعه است، بدون شناسایی و کشف جرم از طریق تفویض اختیارات کافی و لازم به ضابطین دادگستری در مرحله تحقیقات مقدماتی امکان‌پذیر نیست. ضابطین دادگستری با انجام اقدامات لازم جهت کشف جرایم، بازجویی مقدماتی، حفظ آثار و دلایل جرم، جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ... چرخ‌های عدالت کیفری را به حرکت درآورده و مبارزه‌ی عملی با جرم و مجرمان را تحقق می‌بخشند. از سویی ضابطین در راستای انجام این وظیفه، گاه ناگزیر به انجام کارهایی هستند که به درست یا نادرست تعرض به آزادی و امنیت یا دیگر حقوق شهروندی نامیده می‌شود. این بدان سبب است که حقوق شهروندی از جمله اموری است که کوچک‌ترین مسامحه نسبت به آن در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی، موجبات تضییع آزادی‌های اساسی شهروندان و در مواردی زمینه‌ی نقض حقوق ایشان را فراهم می‌سازد.<sup>۲</sup>

۱. دهقانی، فرشید (۱۳۸۶)، نقش ضابطین دادگستری در فرآیند دادرسی کیفری، پایان‌نامه دکتری، به راهنمایی عادل ساریخانی، دانشگاه قم

۲. برغی، محمدمهدی (۱۳۹۲)، بررسی وظایف و اختیارات ضابطین دادگستری در پرتو حقوق شهروندی، پایان‌نامه ارشد، به راهنمایی غلام حسین الهام، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران



## مفهوم‌شناسی

### ۱- مفهوم لغوی ضابط دادگستری

«ضابط در لغت به معنای حفظ کننده، نگهدارنده، حاکم، قائد، قوی، نیرومند و مرد باهوش می‌باشد»<sup>۱</sup>. «هم‌چنین به معنای محفوظ دارنده، کارگزار، رئیس انتظامات شهر، حاکم، مباشر و محصل مالیات نیز آمده است»<sup>۲</sup>.

«کلمه ضابط از ریشه‌ی ضبط گرفته شده است که به معنای نگهدارنده بوده که مصدر آن کلمه‌های ضبط یعنی حبس چیزی و ضابطه به معنای نگاه‌داشتن و ملازم شده است»<sup>۳</sup>.

### ۲- مفهوم اصطلاحی ضابط دادگستری

در ترمینولوژی حقوق ضابط چنین تعریف شده است: «بلوک را به چند ناحیه تقسیم کرده و برای هر ناحیه اداره‌ای به‌عنوان اداره‌ی ناحیه تأسیس و رئیس آن اداره (که نماینده وزارت کشور در آن ناحیه بود) را ضابط یا مباشر می‌گفتند که به تصویب نایب‌الحکومه‌ی بلوک و امضاء حاکم ولایت به سمت خود منصوب می‌شد که خدایان دهات تابع او بودند و حفظ امنیت و رفاه و نظم ناحیه‌ها به عهده‌ی ضابطان بود»<sup>۴</sup>.

«ضابطين دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی برای کشف جرم، بازجویی مقدماتی از متهم و نیز جلوگیری از فرار و پنهان شدن او، و سرانجام حفظ آثار و دلایل و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی طبق ضوابط قانونی اقدام می‌کنند»<sup>۵</sup>.

۱. عمید، حسن (۱۳۷۶)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر

۲. انصاف‌پور، غلام‌رضا (۱۳۶۵)، فرهنگ لغات فارسی، تهران، زوار

۳. سیاح، احمد (۱۳۳۰)، فرهنگ جامع عربی فارسی، قم، اسلام

۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۸)، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش

۵. آشوری، محمد (۱۳۷۶)، آئین دادرسی کیفری ۱، سوم، تهران، سمت

### مبانی حقوق شهروندی

به‌طور خلاصه، دو مبنا را برای حقوق شهروندی در غرب بیان می‌کنند. یکی دیدگاه مبتنی بر جمهوری‌گرایی<sup>۱</sup> و دیگری مبتنی بر لیبرالیسم<sup>۲</sup> در دیدگاه لیبرالی، حقوق شهروندی، به‌عنوان مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف ملازم یکدیگر است که هر کسی که شهروند جامعه باشد، به‌طور برابر از آن برخوردار می‌شود؛ یعنی هر شهروند، در عین انتظار امنیت فردی و آزادی و حق رأی، تکلیف خدمت سربازی را هم دارد. در دیدگاه جمهوری‌گرا، افزون بر این بیان، اندیشه آرمان‌خواهی هم در مفهوم حقوق شهروندی نهفته است و در آن، چهار جزء اصلی وجود دارد:

اول- بی‌گمان، شهروندان از مجموعه‌ای از حقوق برابر برخوردارند.

دوم- همراه با این حقوق، تکالیفی نیز برای شهروندان وجود دارد.

سوم- شهروندی متضمن تمایل به گام برداشتن در جهت اجرای حقوق سایر اعضای جامعه سیاسی است. چهارم- این تمایل برای اجرای حقوق دیگران، بر اساس توافق همگانی و آرمانی عملی می‌شود.<sup>۳</sup>

### وظایف قانونی پلیس در رعایت حقوق شهروندی متهم

پلیس به‌عنوان بازوی اجرایی قوه قضاییه به سبب ارتباط و تعاملی که با شهروندان دارد همواره در اجرای وظیفه ذاتی خود می‌بایست ضمن آگاهی از قوانین موضوعه در تحصیل دلایل علیه متهم در جمع‌آوری دلایل «له» او نیز تلاش و دقت لازم را داشته باشد. در ذیل به اهمیت و نقش پلیس در رعایت حقوق شهروندی متهمان در تحقیقات مقدماتی پرداخته شده است:

<sup>۱</sup> - Republican

<sup>۲</sup> - Liberalism

<sup>۳</sup> . علیدوستی، ناصر (۱۳۸۸)، پلیس و آموزش حقوق شهروندی، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم،



### الف- حق ممنوعیت دستگیری بدون مجوز قانونی:

«مراجع قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران از ضوابط و قواعد شریعت اسلام پیروی و احترام به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها را در قانون اساسی و قوانین عادی اساس سیاست کیفری خود قرار داده‌اند».

برابر اصل سی و دوم قانون اساسی «هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند...» و برابر اصل سی و هفتم این قانون «اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».<sup>۱</sup>

### ب- حق تفهیم اتهام به متهم:

از دیگر حقوق متهم در فرآیند دادرسی کیفری، این است که اتهام یا اتهامات انتسابی به او، از سوی پلیس به وی تفهیم گردد. تفهیم اتهام یعنی این که متهم قبل از شروع تحقیقات مقدماتی به صورت مکتوب (با تاسی از اصل ۳۱ قانون اساسی) از ماهیت اتهام خود مطلع گردد تا بدین وسیله بتواند وسایل دفاع مناسب را تهیه نماید. اهمیت تفهیم اتهام به حدی است که مورد توجه اعلامیه‌های حقوق بشر و قوانین اساسی و عادی اکثر کشورها قرار گرفته است. به موجب بند ۵ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و همچنین اصل ۱۷۱ قانون اساسی، هر متهمی که به‌طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت شده باشد، حق دارد جبران خسارت خود را از مراجع ذی‌ربط بخواهد.<sup>۲</sup>

پ- منع بازداشت متهم بیش از ۴۲ ساعت در جرایم مشهود:

۱. بیرانوند، رضا؛ کوشا، جعفر، هاشمی، حمید؛ رنجبر، بهرام (۱۳۸۹)، وظایف پلیس شهروندمدار در رعایت حقوق شهروندی متهمان (در مرحله تحقیقات مقدماتی)، فصل‌نامه دانش انتظامی، سال ۱۲، شماره ۳.

۲. همان: ص ۱۲-۲۱۱.

برابر اصل سی و دوم قانون اساسی «... در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلیل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد...».

علاوه بر آن، بند ۱ از ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مقرر می‌دارد: «کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌بایست مبتنی بر رعایت قوانین و یا حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلاقی شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود»<sup>۱</sup>

#### ت- حق سکوت متهم:

متهم می‌تواند در مقابل سؤالات بازجو (قاضی، پلیس) سکوت نموده و از پاسخ امتناع نماید. «اعلام حق سکوت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق دفاعی متهم، امروزه در بسیاری از قوانین آیین دادرسی کیفری کشورهای مترقی جهان به‌عنوان تکلیفی نه فقط برای قاضی تحقیق بلکه برای پلیس و از همان آغاز تحت نظر قرار گرفتن امر منظور شده است. در این کشورها در صورت انصراف متهم از این حق و اظهار صریح وی مبنی بر آمادگی به ادای هرگونه پاسخ و متعاقب بر درج این امر در صورت‌جلسه‌ی تحقیق و امضای آن از سوی متهم، هرگونه پرسش و پاسخی که در چهار چوب ضوابط قانونی به عمل آید مجاز است»<sup>۲</sup>

#### ث- حق داشتن وکیل در تحقیقات مقدماتی:

یکی دیگر از حقوق شهروندی متهم در فرآیند دادرسی کیفری حق داشتن وکیل است: «حق داشتن وکیل در تحقیقات مقدماتی و لزوم حضور و فعالیت‌های قانونی وی در دفاع از موکل به‌ویژه در هنگام بازجویی تضمینی بسیار اساسی در جهت حفظ حقوق و آزادی‌های

۱. همان:ص ۱۵-۲۱۴

۲. همان: ص ۱۷-۲۱۶

فردی و جلوگیری از اخلال به حق دفاع است. حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی موجب برقراری توازن و تحقیق اصل تساوی سلاح‌ها در روند دادرسی کیفری است؛ زیرا حضور قضات مجرب تحقیق، شاکی خصوصی، وکیل یا وکلای او و ضابطان دادگستری در سازمان دادرسی که به انگیزه حمایت از حقوق جامعه و زیان‌دیده از جرم در امر جمع‌آوری دلایل به ضرر متهم اشتغال دارند مستلزم وجود حقوق‌دانانی فعال و برجسته در کنار متهم به منظور دفاع از حقوق قانونی وی است<sup>۱</sup>.

### ج- ممنوعیت شکنجه و رفتارهای اهانت‌آمیز:

منع شکنجه و رعایت آن از سوی پلیس و مرجع قضایی و همچنین انجام رفتارهای صحیح از سوی آن‌ها، در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی مورد تأیید قرار گرفته شده است. ماده ۷ میثاق مدنی و سیاسی اشعار می‌دارد: «هیچ‌کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسان یا ترذیلی قرار داد» که این مقوله در ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز اشاره شده است

### چ- حفظ حریم خصوصی و شخصی متهم:

یکی از مهم‌ترین ارزش‌های اساسی در جامعه «امنیت شهروندان» است تا شهروندان بتوانند در پرتو آن، مسیر رشد و کمال خود را طی کنند و هم‌چنان‌که امنیت جامعه مهم و اساسی است، «حریم خصوصی» شهروندان را که زیر مجموعه حقوق شهروندی است می‌توان به چهار دسته به شرح زیر تقسیم کرد:

- الف) حریم خصوصی جسمانی؛
- ب) حریم خصوصی منازل و اماکن؛
- ج) حریم خصوصی اطلاعاتی؛

<sup>۱</sup>. همان‌ص: ۲۱۸

(د) حریم خصوصی ارتباطی<sup>۱</sup>

### کرامت انسانی، حقوق بشر و حقوق شهروندی

از جمله مفاهیم مشابه با کرامت انسانی، مفهوم حقوق بشر و حقوق شهروندی است. آنچه امروزه به عنوان حقوق بشر با گستره جهانی شناخته می شود حقوق و آزادی هایی است که عمدتاً در اعلامیه جهانی حقوق بشر از آن یاد شده است. این اعلامیه پس از جنگ جهانی دوم و در سال ۱۹۴۸ میلادی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و پس از آن ده ها سند و تعداد زیادی نهاد منطقه ای و بین المللی در صدد توسعه و اجرای آن برآمده اند. هنجارهای تدوین شده در این اسناد که ماهیتاً منعکس کننده توافقات کشورها و حاصل تحول در حوزه روابط اجتماعی است، ریشه ای عمیق تر از حرف توافق دارد. انسان حاضر به مرحله ای از بلوغ و رشد اجتماعی و معرفتی رسیده است که داعی نمایی بودن را دارد و ابزار شدن را بر نمی تابد. بنابراین، دولت ها باید به گونه ای مؤثر از آن حمایت و در صورت نقض این حقوق تدابیر مطمئنی را برای احقاق حقوق افراد فراهم آورند. مجریان قانون باید برای رعایت و اجرای دقیق و صحیح این قوانین و دیگر قوانین مربوط به حقوق بشر و حقوق شهروندان، آموزش صحیح ببینند، زیرا این حقوق فقط الفاظی بر روی کاغذ نیستند بلکه به آن اندازه دارای اهمیت هستند که عدم اجرای آن ها، تخلف محسوب می شود و مستوجب مجازات مرتکبان و مجرمان خواهد بود.

اعتقاد به حقوق بشر و اخیراً با تأکید بر حقوق شهروندی، دارای ریشه تاریخی بسیار طولانی است. اصطلاح حقوق شهروندی اولین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروندی ۱۷۸۹ فرانسه و بر پایه دکترین فیزیوکرات ها و طرفداران اندیشه حکومت عوامل طبیعی مطرح شد. ماده اول اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه (۲۶ اوت سال ۱۷۸۹) با الهام گرفتن از اندیشه روسو

۱. همان: ص ۳-۲۲۲



بیان می‌دارد که «انسان‌ها آزاد زاده می‌شوند و آزاد زندگی می‌کنند و در حق برابرند». طبق ماده ۴ اعلامیه فوق، فقط قانون می‌تواند حد و حدود آزادی‌ها را تثبیت و مشخص کند و این مرزها در اجرای حقوق طبیعی هر انسان فقط توسط قانون می‌توانند تعریف شوند. از نظر این اعلامیه، آزادی اصل و قاعده است و محدودیت بر آن استثناء می‌باشد. طبق ماده ۵ این اعلامیه «هر امری که توسط قانون منع نشده است، نمی‌توان از انجام آن جلوگیری نمود و نمی‌توان کسی را به انجام آن‌چه که حکم نشده، مجبور ساخت.»

طبق مواد ۱۲ و ۱۶ اعلامیه یاد شده نیز، ضمانت اجرای رعایت و احترام به حقوق شهروندی توسط قدرت عمومی مطرح و تأکید شده است که اگر ضمانت اجرای حقوق تأمین نشده باشد، هیچ اثری از قانون اساسی نخواهد بود.<sup>۱</sup>

### بازنگری در طبقه‌بندی ضابطین با رویکرد تخصص‌گرایی

چه بخش‌هایی از اقدامات و فعالیت‌های ضابطین به‌عنوان حوزه عمومی تلقی می‌شود و نیاز به تخصص ویژه ندارد و کدام بخش از فعالیت آنان محتاج تخصص است؟ این سؤال محصول یک رویکرد جدید در تخصصی نمودن ضابطین است، رویکردی که صرفاً به اقتضائات حوزه مأموریت ضابطین توجه دارد صرف‌نظر از آن‌که آن‌ها در چه سازمانی قرار گرفته‌اند، با چه هدفی ایجاد شده‌اند، موضوع مأموریت آن‌ها چیست؟ و ضابط عام هستند یا خاص؟ به‌عبارت دیگر در این رویکرد حوزه‌های عمومی مأموریت ضابطین شناسایی شده و برای آن‌ها دوره‌های آموزش عمومی ضابطین پیش‌بینی می‌شود و حوزه‌های تخصصی ضابطین نیز تعیین شده و برای آن آموزش تخصصی در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین ضابطینی که تنها در حوزه‌های عمومی فعالیت می‌کنند نیاز به گذراندن دوره‌های تخصصی ندارند در حالی که ضابطینی که در حوزه‌های تخصصی کار می‌کنند لزوماً باید علاوه بر آموزش عمومی، دانش و مهارت

<sup>۱</sup>. مهرآذین، امین (۱۳۹۴)، حمایت از کرامت انسانی در تحقیقات مقدماتی دادرسی کیفری، به راهنمایی:

حسن‌علی مؤذن‌زادگان، دانشگاه علامه طباطبایی (کارشناسی ارشد حقوق جزا)

تخصصی مورد نیاز را کسب کنند. این رویکرد بر مبنای مدیریت اقتضایی است و در آن تخصص‌گرایی ضابطین دقیقاً منطبق با نیاز شغلی آن‌ها تعریف می‌شود. به‌عنوان مثال ضابطینی که عهده‌دار تحقیق و بازجویی از متهمان می‌باشند، باید در آموزش‌های ضابطین کاملاً به حقوق شهروندان آشنایی داشته باشند، در این راستا بخشنامه‌ای در جهت حفظ حقوق شهروندان و حفظ کرامت انسانی صادر شده است که بند اول آن ناظر به همین موضوع است.

بر اساس تخصص‌گرایی اقتضایی ضابطین را باید در دو طبقه ضابطین عام یا عمومی و ضابطین تخصصی قرار داد. منظور از ضابط عمومی مأمورینی هستند که به‌صورت عمومی توانایی اعلام گزارش جرم و معرفی مجرم به مقامات قضایی را دارند و گزارش آن‌ها به‌عنوان ضابط تلقی می‌شود و ضابط تخصصی به مأمورینی اطلاق می‌شود که صلاحیت رسیدگی به جرایم خاص در حوزه تخصص و مأموریت خود را دارند. ضابطین عمومی باید دوره‌های آموزش عمومی ضابطین را بگذرانند و پس از پایان دوره کارت ضابط عام برای آن‌ها صادر می‌شود و تحت نظارت دادستان محل انجام وظیفه می‌کنند اما ضابطین خاص علاوه بر گذراندن دوره ضابط عمومی باید در یک رشته خاص‌تر دوره‌های آموزش تخصصی را طی کنند و کارت ویژه ضابطین تخصصی در حوزه مأموریت محوله برای آنان صادر خواهد شد. طبیعی است که هر یک از این طبقه‌ها درجه‌بندی خواهد شد و بر اساس توانایی حدود فعالیت و حوزه اقدام آن‌ها نیز تعیین می‌شود.

ضابطین عام درمورد کلیه جرایم تحت تعلیمات مقام قضایی حق مداخله دارند مگر آن‌که جرم، خاص باشد که در این صورت تنها زمانی وارد عمل می‌شوند که ضابط خاص وجود نداشته باشد و یا مقام قضایی با وجود ضابط خاص، به آن‌ها مأموریت داده باشد، بنابراین

ضابطین عام در جرایم خاص نیز تا مداخله ضابطین خاص حق رسیدگی خواهند داشت اما در هر حال گزارش اقدام را باید سریعاً به اطلاع مقام قضایی برسانند.<sup>۱</sup>

### نتیجه گیری

در حقوق کشورمان که ریشه در آموزه‌های دین مبین اسلام دارد حقوق شهروندی از گذشته تا کنون مراحل و مسیرهای متفاوتی را طی کرده و به گونه‌ای که رعایت این حقوق همواره دغدغه اصلی بسیاری از حقوق‌دانان کشورمان بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، قوانین متعددی به تصویب رسید که به صورت مستقیم و غیرمستقیم مسئله حقوق شهروندی را مورد توجه قرار داد. فرآیند دادرسی کیفری از جمله حوزه‌هایی است که رعایت حقوق شهروندی در تمام مراحل آن مورد تأکید قانون‌گذار و حقوق‌دانان کشورمان است. آن دسته از کارکنان زحمت‌کش ناجا که به عنوان ضابط عام دادگستری نقش مهمی از ابتدا تا انتهای دادرسی‌های کیفری ایفا می‌کنند، همواره جایگاه تأثیرگذاری در حفظ و رعایت حقوق شهروندی افراد جامعه دارند. کشف جرم، تحت نظر قرار دادن متهم، حفظ آثار و علائم جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، انجام تحقیقات، انجام بازجویی و ... از جمله مهم‌ترین وظایف ضابطان است که سبب می‌شود آنان به طور مستقیم و مستمر با شهروندان در تعامل باشند. لذا قانون‌گذار کشورمان در قوانین متعدد تکالیف و الزامات خاصی را برای آنان مقرر کرده است تا در خلال انجام وظایف قانونی و قضایی خود مرتکب نقض حقوق شهروندی افراد جامعه نشوند. اما علی‌رغم تمام این تلاش‌های قابل تقدیر و اصلاح

<sup>۱</sup>. شامبیاتی، هوشنگ؛ پروینی، علی (۱۳۹۳)، تخصصی کردن ضابطین گامی به سوی حقوق کیفری

قراردادی، فصل‌نامه تحقیقات حقوقی آزاد، دوره ۷، شماره ۲۵

بسیاری از نواقص قوانین گذشته، قوانین فعلی نیز خالی از عیب نیست و نیاز به اصلاح و بازنگری دارد.<sup>۱</sup>

#### منابع و ماخذ:

- انصاف پور، غلامرضا (۱۳۶۵)، فرهنگ لغات فارسی، تهران، زوار.
- آشوری، محمد (۱۳۷۶)، آئین دادرسی کیفری ۱، سوم، تهران، سمت.
- برغی، محمدمهدی (۱۳۹۲)، بررسی وظایف و اختیارات ضابطین دادگستری در پرتو حقوق شهروندی، پایان نامه ارشد، به راهنمایی غلام حسین الهام، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- بیرانوند، رضا؛ کوشا، جعفر، هاشمی، حمید؛ رنجبر، بهرام (۱۳۸۹)، وظایف پلیس شهروندمدار در رعایت حقوق شهروندی متهمان (در مرحله تحقیقات مقدماتی)، فصل نامه دانش انتظامی، سال ۱۲، شماره ۳.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۸)، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.
- دهقانی، فرشید (۱۳۸۶)، نقش ضابطین دادگستری در فرآیند دادرسی کیفری، پایان نامه دکتری، به راهنمایی عادل ساریخانی، دانشگاه قم.
- سیاح، احمد (۱۳۳۰)، فرهنگ جامع عربی فارسی، قم، اسلام.
- شامببائی، هوشنگ؛ پروینی، علی (۱۳۹۳)، تخصصی کردن ضابطین گامی به سوی حقوق کیفری قراردادی، فصل نامه تحقیقات حقوقی آزاد، دوره ۷، شماره ۲۵.

---

<sup>۱</sup>. محمدی، علی (۱۳۹۶)، نقش ضابطان دادگستری در حقوق شهروندی، چهارمین کنفرانس جهانی و اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روان‌شناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی

- علیدوستی، ناصر (۱۳۸۸)، پلیس و آموزش حقوق شهروندی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره دوم، صفحات ۷۱-۴۷.
- عمید، حسن (۱۳۷۶)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر.
- محمدی، علی (۱۳۹۶)، نقش ضابطان دادگستری در حقوق شهروندی، چهارمین کنفرانس جهانی و اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روان‌شناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی.
- مهرآزین، امین (۱۳۹۴)، حمایت از کرامت انسانی در تحقیقات مقدماتی دادرسی کیفری، به راهنمایی: حسن علی مؤذن‌زادگان، دانشگاه علامه طباطبایی (کارشناسی ارشد حقوق جزا).

